

تاریخچه وزارت امور خارجه ایران**

چکیده:

اگرچه همزمان با حکمرانی پادشاهان صفوی در ایران، رفت و آمدهای دیپلماتیک سیاسی و فرهنگی میان دربار ایران و دربار کشورهای دیگر، به ویژه کشورهای اروپایی، افزایش یافت، اما تا زمان پادشاهی فتحعلی شاه قاجار نهاد اداری ویژه‌ای برای انجام وظایف مربوط به مناسبات خارجی وجود نداشت و دیدارها و تصمیم‌گیریهایی مربوط به مناسبات خارجی توسط شاه و صدراعظم انجام می‌شد. از دهه ۱۸۳۰ به بعد برخی از قدرتهای خارجی سفارتخانه‌های دائمی با حضور سفرا و فرستادگان دیپلماتیک در ایران تأسیس نمودند و تشکیلات وزارت خارجه تأسیس شد و به تدریج گسترش یافت؛ اگرچه همچنان شاه و صدراعظم بالاترین تصمیم‌گیرندگان در همه مسائل کشوری و از جمله امور خارجه بودند. این مسئله در زمان حکومت پهلوی نیز ادامه یافت و شاه همه مسائل خارجی را نیز تحت نظارت مستقیم خویش داشت. پس از پیروزی انقلاب اسلامی تحولی بزرگ در کادر وزارت امور خارجه به وجود آمد.

کلید واژه: ایران، وزارت امور خارجه، مناسبات خارجی، صفویه، قاجار، پهلوی.

در دوره صفویه (۱۱۳۵-۹۰۷ق / ۱۷۲۲-۱۵۰۱ق) نهاد اداری ویژه مناسبات خارجی وجود نداشت. فرایند تصمیم‌گیری در مناسبات خارجی ایران با قدرتهای بیگانه تنها در دست شاه و صدراعظم بود. در مواردی که اعزام فرستاده ضرورت داشت، همواره شاه خود سنیر ویژه‌ای منصوب می‌کرد. این سفیر حامل رهنمودهای روشنی برای دستیابی به آنچه ضرورت داشت، بود. چنین فرستاده‌ای تام‌الاختیار نبود، بلکه تنها یک سخنگو بود. شاه سفرای خارجی را که به دربار صفوی بار می‌یافتند، به حضور می‌پذیرفت.

در دوره صفویه شاه همواره با سفرای خارجی در تعامل بود. با وجود این، پس از شاه عباس دوم (۷۷-۱۰۵۲ق / ۶۶-۱۶۴۲م) «شرفیابی سلطنتی» که به سفر اعطا شده بود، به یک مراسم نمایشی بی‌روح که تنها جنبه تشریفاتی داشت، بدل شد.

در سراسر دوره صفوی، صدراعظم شخصیتی کلیدی بود که بر همه مناسبات خارجی اشراف داشت. هیچ امری از امور داخلی و خارجی بدون اجازه او انجام نمی‌پذیرفت. (کامپفر، ص ۶۲) به هر حال صدراعظم وظیفه سخت مذاکرات با دیگر کشورها را برعهده داشت. او به تنهایی در مراحل آغازین و پایانی مذاکرات، آنجا که ارائه رهنمود و تصمیم او لازم به نظر می‌آمد، شرکت داشت. مذاکره‌کنندگان واقعی و یا کارگزاران دیپلماتیک دولت از میان بزرگان کشوری و لشکری بودند. بیشتر وقتها نماینده اصلی دیپلماتیک، مقامی حکومتی و بیشترین دلمشغولی او مذاکره درباره یک موضوع مهم بود. برای نمونه اروپاییها که می‌کوشیدند امتیازهای تجاری بهتری، به‌ویژه در تجارت ابریشم، به‌دست آورند، همواره با مستوفی کسا، کسی که متصدی درآمدهای ناشی از تولید ابریشم مناطق بود، در ارتباط بودند. با این همه، مقامهای حکومتی دیگر نیز پیوسته درگیر حوزه مناسبات خارجی می‌شدند، زیرا هیچ نهاد رسمی پاسخگوی امور خارجی وجود نداشت و افزون‌بر آن، هرکسی که در زمره رجال سیاسی بود، می‌کوشید وزن سیاسی خود را به دیگران اثبات کند تا بتواند در بازی سیاسی امتیازهای عالی به دست آورد و جایگاه خود را در سیاست دربار ارتقاء بخشد.

با این وصف، دو مقام رسمی، از آن رو که پاسخگوی جنبه‌های معینی از مناسبات خارجی بودند، شاخص و نمایان بودند؛ نخست «مهماندارباشی» (مقام رسمی متصدی امر

پذیرش و پذیرایی از فرستاده خارجی) بود. نه پادشاه و نه هیچ قدرت خارجی که با ایران رابطه داشت، نزد ایران نمایندگی دیپلماتیک نداشت. تنها هلند و بریتانیا، آن هم از راه کمپانی هند شرقی هند و کمپانی هند شرقی بریتانیا به گونه‌ای نمایندگی دائمی نزد ایران داشتند، اما این نمایندگیها تنها به امور جاری تجاری می‌پرداختند.

اگر مشکل تجاری، تحول سیاسی یا رویداد تغییر سلطنت پیش می‌آمد، شاه یا فرمانروای قدرت خارجی، سفیری حامل پیام مقتضی گسیل می‌داشت. همچنین کمپانیهای تجاری اروپایی از این اختیار برخوردار بودند که سفیری برای حل و فصل مناقشات بزرگ پیش‌آمده گسیل دارند. بنابراین یک سفیر یا میهمان خارجی به هنگام ورود به سرحدات ایران، به خودی خود، میهمان شاه به‌شمار می‌آمد. سفیر یا میهمان خارجی با اعلام حضور خود نزد فرماندار یا حاکم آن شهر مرزی (بیشتر ایروان، هرات، بندرعباس) از جانب مقام «میهمان‌دار» به طور رسمی پذیرش می‌شد. میهمان‌دار مسئول پذیرایی، خورد و خوراک و راهنمایی سفیر در ادامه مسیر تا به دربار شاه بود.

رده «میهمان‌دار» به اعتبار آن شخص (میهمان) و مقدار احترامی که شاه برای او قائل بود، بستگی داشت. میهمان‌دار در همه روزهای اقامت سفیر در ایران و نیز در روزهای بازگشت او به سرحدات (هر چند در مسیر بازگشت، اغلب میهمان‌دار دیگری بر این کار گمارده می‌شد) مسئول بود. به هنگام حضور سفیر در اقامتگاه سلطنتی، میهمان‌دار سفیر را برای شرفیاب شدن به حضور پادشاه و پیشکش کردن هدایای رسمی او و معرفی به مقامهای برجسته حکومتی دیگر، با خود به دربار می‌برد.

میهمان‌دار هیئت میهمان را از اختصاص جایگاه مناسب و موقعیت معتبر برای آنها در محفل رسمی دربار مطمئن می‌ساخت. پس از شاه‌عباس اول (۱۰۳۸-۹۹۶ق / ۱۶۲۹-۱۵۸۸م). شاه به طور معمول گفتگویی با سفیر نداشت و همه این امور (شرفیابی و پذیرش هدایا) با صدراعظم بود. هنگامی که سفیر هدایا را پیشکش می‌کرد، میهمان‌دار بر سیاه‌برداری و قیمت‌گذاری آنها نیز نظارت داشت. در انجام این وظیفه، مقامی به نام «پیشکش نویس» به او کمک می‌کرد. (نک: گیفت، جاردین، ج ۷، ص ۱۳۷؛ تاورنیه، ص ۲۲۰؛ میرزا رفیعا، ص ۴۸؛ فلور، ص ۱۹۷-۸؛

دلاواله، ص ۵۴۰، ۵۴۰-۵۴۱، ۷۷، ۶۴-۵؛ ریحارد، ج ۲، ص ۲۹۷؛ آلبروس، ص ۳-۶۷۲

مقام مسئول دیگر در مناسبات خارجی، «مجلس نویس» (یا «وقایع نگار») نام داشت. او را که متصدی جنبه‌های اداری مناسبات خارجی بود، «وزیر چاپ» نیز می‌خواندند. مجلس نویس افزون بر اینکه موظف بود شاه و درباریان محرم شاه را از رویدادهای جاری مملکتی آگاه کند، وظیفه داشت چند و چون مناسبات کشور با قدرتهای خارجی و معاهدات دو جانبه را زیر نظر داشته باشد. بنابراین سفیران دولتهای خارجی همواره با مجلس نویس دیدار داشتند و اسناد مربوطه را برای بایگانی به او می‌سپردند. همچنین مجلس نویس تاریخ ورود و هدف از دیدار و ماهیت درخواست آنها (سفیران) را و تصمیماتی را که گرفته می‌شد و پاسخهایی را که به آنها داده می‌شد، مکتوب می‌کرد. همچنین او نامه‌های آنها را در حضور شورای سلطنتی به صورت علنی می‌خواند. مجلس نویس به‌طور معمول در [جلسه] مذاکرات صدر اعظم یا سفیر میهمان حاضر می‌شد. وی همچنین نامه‌های ارسال شده به سوی قدرتهای خارجی را می‌نگاشت. برای انجام این کار، گروهی شناخ (نگارنده) از دارالانشاه (دبیرخانه) او را کمک می‌کردند که به‌طور مشخص، «نامه نویس» نامه‌های خطاب به سران خارجی را می‌نگاشت، حال آنکه «طغری نویس» عنوان نامه‌ها را می‌نوشت. (چاردین، ج ۵، ص ۳۳۳-۴؛ ریحارد، ج ۲، ص ۲۷۰؛ دلاواله، ص ۶۵؛ هتزی، ص ۱۵۰-۱۴۸، ۱۶۳؛ کائمبر، ص ۸۰؛ سنسون، ص ۲۴؛ والتین، ج ۵، ص ۲۷۷؛ میرزا رفیعا، ص ۶۱-۲، ۱۱۶، ۸۱)

این وضعیت در سلسله‌های پس از صفویه که ترتیبات اداری آنها در واقع ادامه همان سنت دیوانی صفویه بود، تغییری نیافت. در دولت افشاریه (که مؤسس آن نادرشاه بود) تنها یک مرجع مقتدر وجود داشت؛ برخی از افسران او همچون میرزاتقی شیرازی، اگر چه قدرت بیشتری نسبت به دیگران داشتند، اما در تجزیه و تحلیل نهایی همه تصمیمات را شخص شاه می‌گرفت. این وضعیت در دوره زندیه نیز تغییر نیافت. کریم خان به همراه صدراعظم خود هر ارتباط دیپلماتیک را برقرار و هدایت می‌نمود. (لاکهارت، ص ۲۷۲؛ شعبانی، جاهای متعدد؛ بری، ص ۷۱-۲۴۶)

در دوره قاجار (۱۳۴۴-۱۱۹۳ ق / ۱۹۲۵-۱۷۹۸ م) نیز به رسم گذشته، صدراعظم متولی امور خارجی بود. در ۱۲۲۳ ق / ۱۸۰۸ م، مناسبات خارجی زیر نظر وزارت داخله بود، اما

جنگهای ایران و روس در سالهای ۲۸-۱۲۱۹ق / ۱۳-۱۸۰۴ ضرورت ایجاد نهادی مشخص را که خود به صورت مستقل متولی مناسبات خارجی باشد، آشکار کرد. در ۱۲۳۶ق / ۱۸۲۱ وزارت امور خارجه به ریاست یک کفیل پاگرفت. تنها در ۱۲۳۹ق / ۱۸۲۴ وزیر امور خارجه (به مفهوم امروزی) منصوب شد. نخستین وزیری که عهده‌دار امور خارجی شد، میرزا عبدالوهاب نشاط معتمدالدوله اصفهانی بود؛ گرچه او چنین عنوانی (وزیر امور خارجه) نداشت. در ۱۲۳۹ق / ۱۸۲۴ فتحعلی شاه، حاجی میرزا ابوالحسن شیرازی را به سمت وزیر [امور] دول خارجی گماشت. او در این منصب تا زمان مرگ فتحعلی شاه در ۱۲۴۹ق / ۱۸۳۴ باقی ماند. از آنجا که شیرازی در اختلاف جانشینی (شاه) موضع نادرستی در پیش گرفت، محمدشاه تا سال ۱۲۵۰ق / ۱۸۳۵ هیچ وزیر خارجه‌ای منصوب نکرد. تا اینکه در آن سال، میرزا علی، پسر قائم‌مقام [فراهانی] را به شکل صوری به عنوان وزیر خارجه منصوب کرد، اما در واقع حاجی میرزا مسعود انصاری گمرودی بود که در این سمت کار می‌کرد. انصاری گمرودی نخست در ۱۲۵۴ق / ۱۸۳۸ و پس از آن دوباره از ۱۲۶۲ق / ۱۸۴۶ تا ۱۲۶۵ق / ۱۸۴۸ وزیر خارجه بود. میرزا ابوالحسن ایلچی شیرازی در سال ۱۲۵۶ق / ۱۸۴۰ دوباره به عنوان وزیر خارجه منصوب شد و تا هنگام مرگ در ۱۲۶۲ق / ۱۸۴۶ در این سمت باقی ماند. (شمیم، ص ۲۶۷-۷۱؛ عبدالحسن خان ایلچی، ص ۱۹؛ قائم‌مقامی، ج ۲، ص ۱۸۷، ۱۹۲، ۲۳۶) در این دوره نیز «وقایع نگار» وجود داشت که وظایفی در مناسبات خارجی عهده‌دار بود. (قائم‌مقامی، ج ۲، ص ۱۳۴، ۱۴۱، ۱۴۶، ۳۳۰، ۳۲۹؛ آدمیت، ص ۲۱۲، ۲۱۴، ۳۷۷)

از دهه ۵۶-۱۲۴۶ق / ۱۸۳۰ به بعد برخی از قدرتهای خارجی، سفارتخانه‌های دائمی با حضور سفرا و فرستادگان (وزیرمختار، ایلچی، کنسول) در ایران تأسیس نمودند و برخی چون بریتانیا، روسیه و ترکیه عثمانی افزون بر سفارت، شماری کنسولگری (قنسول، بالیوز، شهیندر) تأسیس کردند. در برابر، ایران نیز تا میانه سده نوزدهم چنین [سفارتخانه‌ها و کنسولگریهایی در این کشورها برپا] کرد؛ به این معنا که اتباع خارجی به طور رسمی برای ارتباط با حکومت ایران، تنها باید از راه سفارتخانه یا کنسولگری متبوع خود اقدام کنند. برای نمونه، اگر اتباع خارجی درباره اجاره اسبهای چاپار درخواستی از وزیر خارجه ایران داشتند، وی دستور مقتضی را صادر

می‌کرد. (بست، ص ۱۲۱) [در این دوره] همچنان «میهماندار» سفرا را همراهی می‌کرد و در هر شهر سفیران از جانب حاکم آنجا پذیرایی می‌شدند و کوتاهی در این امر نوعی بی‌احترامی به‌شمار می‌رفت. حتی روسیه تا بدانجا پیش رفت که معاهده‌ای دربارهٔ اتباع خود منعقد کرد که در آن همهٔ احترامها، دیدار با مقامهای رسمی (از نخست‌وزیر تا رده‌های پایین) که اتباع روسیه شایستهٔ درخواست آن بودند، تعریف شده بود. (لیدی شیل، ص ۸۱)

در ۱۲۹۹ق / ۱۸۸۱ وزارت امور خارجه بر پایهٔ الگویی اروپایی و با تشکیلات سازمانی مفصل، از نو سازماندهی شد. وزارتخانهٔ جدید شامل چهار بخش بود که به ترتیب به امور مربوط به بریتانیا، روسیه، ترکیهٔ عثمانی و کشورهای غیر همسایه می‌پرداختند. افزون بر آن، پنج دایرهٔ پشتیبانی شامل امور بازرگانی، تشریفات، آرشيو، ترجمه و رمز، و حسابداری وجود داشت. ایران در پایتختهای کشورهای که شریک عمدهٔ تجاری [ایران] بودند و نیز در شهرهایی که جوامع [اقلیت مقیم] بزرگ ایرانی اقامت داشتند، سفرا و کنسولهایی داشت. وزارت خارجه همچنین در پاره‌ای از شهرها که در آن کنسولگریهای خارجی دایر بود، یا اقلیتهای بیگانه اقامت داشتند و یا از نظر تردد (ترافیک) مرزی نقشی مهم دارا بود، کارگزاریهایی برپا کرده بود.

سازمان وزارت خارجه ماهیت مناسبات خارجی ایران را بازتاب می‌داد. در سالهای ۱۲۹۹-۱۳۲۳ق / ۱۸۸۱-۱۹۰۵ تغییری مهم در این سازمان پدیدار نشد. مهم‌ترین بخشها، همان بخشهای مربوط به بریتانیا، روسیه و ترکیهٔ عثمانی بود. همچنین بخشی به‌نام «امتیازات» وجود داشت. بخش ویژهٔ «دادگاههای کنسولی»، بازتاب دهندهٔ «حقوق قضاوت کنسولی» - که بسیاری از قدرتهای خارجی در ایران از آن برخوردار بودند - بود. این مسئله همچنین از شمار کارگزاریهای وزارت خارجه در بیست و چهار شهر ایران و بیش از همه، در آن شهرهایی که قدرتهای خارجی، کنسولگری در آن داشتند، آشکار می‌شد. افزون بر این، حدود چهل و پنج «امنای تذکره» در سراسر ایران و البته بیشتر در شهرهای مرزی، به‌ویژه شهرهای آذربایجان، زیر نظر ادارهٔ کل روادید (ادارهٔ کل تذکره) مستقر و فعال بودند. همچنین اداره‌ای برای کمیسیون مرزی ایران و ترکیهٔ عثمانی وجود داشت. ایران سفیران و کنسولهایی در ترکیهٔ عثمانی، ایالات متحده، اتریش، آلمان، بریتانیا، ایتالیا، بلژیک، روسیه، فرانسه، هلند و سفیری برای بالکان داشت. در برابر، این

کشورها نیز نمایندگیهای سیاسی در ایران داشتند (نک: سالنامه‌های متعدد پیوست نشریات چاپ سنگی اعتمادالسلطنه که در کتابشناسی [مقاله] فهرست شده است؛ نسیم، ص ۲۶۹-۷۱).

نقش و اهمیت وزیر به آزادی عمل وی بستگی داشت که از صدراعظم به دست می‌آورد؛ صدراعظمی که در همه امور از جمله مناسبات خارجی فصل الخطاب بود. این [نقش] همچنین به ویژگیهای شخصیتی صدراعظم و وزیر [امور خارجه] نیز بستگی داشت. برای نمونه، میرزا حسین خان (سپهسالار) که نقشی بارزتر از پیشینیان و جانشینان خود ایفا کرد.

مقامهای سفارت و کنسولی مانند دیگر منصبها به پیشنهاددهنده قیمت بالاتر، فروخته می‌شد. قیمت‌هایی که گاه پیشنهاد می‌شد، بسیار بالا بود. این مناصب منابع درآمدی مهمی را از راه فروش گذرنامه و دیگر اوراق مسافرتی، توزیع نشانها و استفاده از نامه‌های دیپلماتیک برای مقاصد تجاری [برای صاحب آن] دربرداشت. (برای دیدن شکل‌گونه‌های متفاوت از تذکرها نک: نکوبین و ویلمورین، ص ۴۵؛ مهدوی و افشار، ص ۱۵۰) مناصب تفلیس، بغداد و استانبول بسیار خواهان داشتند، زیرا شمار زیادی ایرانی در این شهرها ماندگار بودند و همچنین فعالیت‌های قضایی که از جانب سفیر یا کنسول انجام می‌گرفت، بسیار سودآور بود.

در دوره پهلوی ۱۳۰۴-۵۷ ش / ۱۹۲۵-۷۸ بنیان مدیریت مناسبات خارجی تغییری زیاد نکرد. فرایند تصمیم‌سازی در تهران، جایی که رضاشاه همه تصمیمات را در آنجا می‌گرفت، متمرکز بود. از ۱۳۲۰-۳۲ ش / ۱۹۴۱-۵۳ قدرت شاه محدود بود، زیرا با اشغال کشور از جانب متفقین تا سال ۱۳۲۴ ش / ۱۹۴۵ و پس از آن، مناسبات خارجی بیرون از کنترل شاه بود، اما پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ / اوت ۱۹۵۳ که قدرت سلطنت اعاده شد، شاه بر همه سیاستها چیرگی یافت. شاه از راه دیدارهای رسمی یا به حضور پذیرفتن رجال مملکتی، مذاکرات مربوط به مسایل کلیدی را زیر نظر مستقیم خود داشت. بنابراین وزیر امور خارجه نسبت به اعضای دیگر کابینه جایگاه پایین‌تری داشت.* وزیر خارجه بیشتر وقتها یک دیپلمات یا یک سیاستمدار بود. (ارتش ایالات متحده، ۱۹۶۳، ص ۲۸۰-۳۴۹)

* به نظر نمی‌رسد این ادعا که «وزیر امور خارجه نسبت به اعضای دیگر کابینه جایگاه پایین‌تری داشت»:

با وجود این، تغییراتی بنیادین از نظر اداری [در وزارت امور خارجه] در دوره پهلوی پدید آمد. در ۱۳۱۳ش / ۱۹۳۴ در نمودار سازمانی وزارتخانه بازنگری کاملی شد. [همراه] این واقعیت که حق کاپیتولاسیون در ۱۳۰۷ش / ۱۹۲۸ ملغی شد و اینکه مهاجرت به روسیه متوقف گردید. ترکیب [سازمانی] وزارتخانه نیز تغییر کرد. وزارت امور خارجه همچنان توسط وزیری که معاونی او را یاری می داد، مدیریت می شد. همچنین اداره رمز و بخش بازرسی و چهار اداره سیاسی به نام اداره های اول تا چهارم، بخش «اطلاعات، انتشارات و ترجمه»، بخش «اخبار» و نیز [بخشهای] «تشریفات»، «گذرنامه و مهر و موم» و «آرشیو» و «حسابداری» شکل گرفت. شمار سفرا افزایش یافته بود و ژاپن، آمریکای لاتین، لهستان، سوئد و مصر را دربر می گرفت. در برابر به شمار نمایندگان خارجی در ایران، نمایندگانی از کشورهای لیتوانی، فنلاند، عراق و رومانی افزوده شد. (سالنامه پارس، ۱۳۱۵، ص ۱۰۴-۷)

پس از ۱۳۱۳ش / ۱۹۳۴ پاره‌ای اصلاحات جزئی برای تنظیم وظایف و رویارویی وزارتخانه با چالشهای تازه انجام شد. حدود سی سال بعد، برای نمونه، شمار اداره‌های کل سیاسی افزایش یافته و به شش اداره کل رسید. در همین مدت دوایری جداگانه در امور خلیج فارس و سازمانهای بین‌المللی و همکاریهای بین‌المللی ایجاد شده بود. همچنین شمار سفرای ایران باز افزایش یافت که [این خود] گویای حضور کشورهای مستقل جدید پس از ۱۳۲۴ش / ۱۹۴۵ بود. (سالنامه ایران، ۱۹۶۳، ص ۱۳۵)

از این پس وزارت خارجه مشغول همه نمایندگیهای دیپلماتیک نزد کشورهای خارجی و سازمانهای بین‌المللی بود. نمایندگیهای خارجی در ایران نیز از راه این وزارتخانه با حکومت تعامل داشتند. برای تأمین اهداف سازمانی، در وزارتخانه چندین بخش سیاسی، شامل ادارات کل کشورهای اسلامی همچوار؛ اتحاد جماهیر شوروی و اروپای شرقی؛ اروپای غربی؛ ایالات متحده و آمریکای لاتین؛ کشورهای عربی و هند؛ پاکستان و جنوب آسیا سازماندهی شد. (ارنش ایالات متحده، ۱۹۶۳، ص ۲۸۰)

گرچه شمار وزارتخانه‌ها متغیر بود، وزارت خارجه عضو ثابت هیئت دولت بود. هرچند وزارت امور خارجه کوچک‌ترین وزارتخانه بود، پرسنل آن از ورزیدگی و خبرگی بالایی

برخوردار بودند و حقوق دریافتی بهتر نسبت به کارمندان دیگر دولت داشتند. بسیاری از آنان متعلق به خانواده‌های اشراف کشور و بیشتر از سلسله قاجار بودند (برای نمونه نک: آرفا، ص ۴۳۸-۴۱۹). در ۱۳۳۸ش / ۱۹۵۹ وزارت امور خارجه ۳۴۵ کارمند رسمی (ثابت) داشت که ۲۹۴ نفر از آنان دیپلمات و ۵۱ نفر کادر اداری بودند. این وزارتخانه همچنین کادر محلی نیز در استخدام داشت. تا سال ۱۳۳۳ش / ۱۹۵۴ کادر دیپلماتیک وزارتخانه برای سالها (بدون محدودیت زمانی) بدون بازگشت به وطن در مأموریت خارج به سر می‌بردند. این ترتیب (روش کار) تغییر کرد و به دوره چهارساله (مأموریت در خارج از کشور) و یک‌سال الزام به خدمت در مرکز، برای آگاهی از امور کشور، محدود گردید. (ارتش ایالات متحده، ۱۹۶۳، ص ۳۹۴)

در ۱۳۴۹ش / ۱۹۷۰ به جز ۷۵ نفر کادر اداری حدود ۴۰۰ نفر در استخدام این وزارتخانه بودند. دیگر کارکنان متخصصان مأمور از وزارتخانه‌های دیگر را شامل بودند که برای مأموریت‌های اقتصادی استخدام شده بودند. این مأموران تنها به نخست‌وزیر یا سازمان برنامه و بودجه پاسخگو بودند. ایران نمایندگی‌های دیپلماتیک در حدود چهل کشور جهان، به‌ویژه در اروپا، خاورمیانه و سازمان ملل داشت و با کشورهای تایوان، ویتنام جنوبی و کره جنوبی دارای رابطه بود، اما مناسباتی با چین، ویتنام شمالی و کره شمالی نداشت. از ۱۳۴۷ش / ۱۹۶۸ دایره نمایندگی‌ها به کشورهای افریقایی گسترش یافت.

مشاغل وزارت امور خارجه از منزلت بالایی برخوردار بودند و افراد از عالی‌ترین لایه‌های جامعه جذب آن می‌شدند. از ۱۳۴۹ش / ۱۹۷۰ سازمان وزارتخانه مشتمل بود بر یک وزیر که قائم‌مقام و چهار معاون (هر یک به ترتیب مسئول امور سیاسی، امور پارلمانی، امور بین‌الملل و امور اقتصادی بودند) او را یاری می‌کردند. در سطح بعدی مدیرکل آسیا و افریقا، مدیرکل اروپا و آمریکا و پنج مدیرکل کارکردگرا (شامل «اداری»؛ «امور اقتصادی»؛ «امور فرهنگی و اجتماعی»؛ «اطلاعات و مطبوعات»؛ «بازرسی و امور مالی») و رئیس امور کنسولی قرار داشتند. این مدیران کل به‌تئ زیرمجموعه سیاسی که هر یک جنبه‌های جغرافیایی کوچک‌تری را پوشش می‌دادند، تقسیم می‌شدند. افزون بر آن، بخشهایی برای امور حقوقی و معاهدات؛ سازمانهای بین‌المللی؛ همکاری بین‌المللی؛ امور اقتصادی و اداره بازرسی کل وجود داشت.

دیپلماتهای حرفه‌ای پیش از پذیرش، معاینه، مصاحبه و آزمون می‌شدند. شرایط ورود شامل حداکثر سن سی سال، درجه کارشناسی در علوم سیاسی، حقوق اقتصادی و یا زبان خارجی بود. از ۱۳۲۹ش / ۱۹۵۰ بیشتر داوطلبان متعلق به مرکز مطالعات عالی بین‌المللی دانشگاه تهران بودند. پس از معاینه نخستین از داوطلبان آزمون کتبی پنج روزه و پس از آن آزمون شفاهی پنج‌روزه در زمینه‌های حقوق، تاریخ، علوم سیاسی، زبان، روابط بین‌الملل و روانشناسی انجام می‌گرفت.

بر پایه این آزمونها، گزینش نهایی برای تکمیل کادر مورد نیاز انجام می‌شد. پس از پذیرش، کارمند تازه کار به عنوان یک کارآموز، استخدام شده و میان بخشهای مختلف وزارتخانه به شکل گردشی مشغول به کار می‌شد. کارآموز پس از سپری کردن این دوره دو ساله، به مقام وابستگی نایل شده و به اداره مشخصی معرفی می‌شد. او در آنجا ملزم بود دو سال دیگر خدمت کند. وی پس از این چهار سال به پستی در خارج از کشور مأمور می‌شد. در اصل، ارتقا در وزارتخانه براساس توانایی، تجربه و سن بود. (ارتش ایالات متحده، ۱۹۸۰، ص ۳۰۲-۳۰۰)

در دوره جمهوری اسلامی از سال ۱۳۵۷ش / ۱۹۷۸ تحولی بزرگ در کادر وزارتخانه پیدا شد؛ بسیاری از دیپلماتهایی که داوطلبانه از کار خود کناره نگرفته یا به خارج نگریخته بودند، به سبب داشتن پیشینه سیاسی نامطلوب یا نگرش نادرست، از کار برکنار شدند. برای بازتاب این تحول سیاسی، دانشکده روابط بین‌الملل در ۱۳۶۲ش / ۱۹۸۳ به منظور تربیت دیپلماتها و کارکنان وزارتخانه تأسیس شد. همچنین دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، کانون فکر وزارتخانه گردید. بر همین اساس رویکرد پیشین ایران دایر بر توسعه روابط با کشورهای غربی دگرگون شد. حکومت [جمهوری اسلامی] بر روابط با کشورهای همسایه، به‌ویژه در خلیج فارس، آسیای مرکزی و قفقاز، تأکید کرد. روابط بهتر با کشورهای جهان سوم اولویت دوم روابط خارجی شد. افزون بر آن جمهوری اسلامی ایران، با قطع رابطه با ایالات متحده،^۳ [رژیم] اسرائیل و تا سالهای اخیر، افریقای جنوبی، با همه کشورهایایی که موضعی مشابه ایران داشتند، خواستار برقراری رابطه بود. افزون بر وزارت امور خارجه، سازمانهایی دیگر وجود دارند که در

^۳ این دولت آمریکا بود که نسبت به قطع رابطه با جمهوری اسلامی ایران اقدام کرد. (م)

صدور انقلاب نقش آفرین هستند. این فعالیتها همیشه همسو با سیاستی که در عرصه بین‌المللی تعقیب می‌شود، نیست. ایران با بیش از یکصد و بیست کشور رابطه دارد که از نظر شماره، یک دگرگونی بزرگ نسبت به وضع پیش از ۱۳۵۷ ش / ۱۹۷۸ محسوب نمی‌شود، هر چند جمهوری اسلامی نمایندگیهای بیشتر [برای تحقق] اهداف سیاست خارجی خود در افریقا و آمریکای لاتین دایر کرده است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

پی نوشتها:

۱. آدمیت، فریدون: *امیرکبیر و ایران*، تهران: امیرکبیر، ج ۳، ۱۳۴۸ش / ۱۹۷۰.
۲. اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان، *الدرر التیجان فی تاریخ بنی اشکان*، تهران، ۱۳۰۸-۱۱ش / ۱۸۹۴-۱۸۹۰م.
۳. اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان (به عنوان نویسنده، ویراستار یا ناشر آثار پیوست شده به سالنامه‌ها).
۴. اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان، *تاریخ سلاطین ساسانی*، تهران، ۱۳۱۴-۱۵ش / ۱۸۹۷.
۵. اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان، *مرآت البلدان*، تهران، چ چهارم، ۱۲۹۴-۷ش / ۱۸۷۷-۸۰م.
۶. اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان، *منتظم ناصری*، تهران، ۱۳۰۰-۱۲۹۸ش / ۱۸۸۴-۸۶م.
۷. شعبانی، رضا، *تاریخ اجتماعی ایران در عصر افشاری*، تهران: ۱۳۶۹ش / ۱۹۹۰م.
۸. شمیم، علی اصغر، *ایران در دوره سلطنت قاجار*، تهران: علمی، ۱۳۴۲ش / ۱۹۶۳م.
۹. قائم مقامی، جهانگیر، *نامه‌های پراکنده قائم مقام قزاقانی*، تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۷، ۸۰-۱۹۷۸.
۱۰. مجله میرزا ابوالحسن خان، لندن، ۱۹۸۸.
۱۱. مهدوی، ا. و افشار، ایرج، *مجموعه اسناد و مدارک چاپ نشده درباره سیدجمال الدین مشهور به افغانی*، تهران و ۱۳۴۲ش / ۱۹۶۳م.
۱۲. میرزا ابوالحسن خان ایلچی: *حیرت نامه سفر*، ویراسته و ترجمه ام. ام. کلاکه، تحت عنوان *یک ایرانی در دربار پادشاه جورج* ۱۰-۱۸۰۹.
۱۳. میرزا رفیعا (محمدرفیع انصاری) *دستورالملوک میرزا رفیعا و تذکرة الملوک میرزا سمیعا*، ویراسته محمدتقی دانش‌پژوه، MDAT ۱۵/۵۶، ۱۳۴۷ش / ۱۹۶۸م، ص ۴۷۵.۵۰۴؛ ۱۶/۱۲، ۱۳۴۷ش / ۱۹۶۸م، ص ۹۳-۹۳؛ ۱۶/۳، ۱۳۴۷ش / ۱۹۶۸م، ص ۲۹۸.۳۲۲؛ ۱۶/۴، ۱۳۴۸ش / ۱۹۶۹م، ص ۴۱۶.۴۰؛ ۱۶/۵، ۱۳۴۸ش / ۱۹۶۹م، ص ۵۴۰-۵۶۴.
۱۴. *نامه دانشوران*، ۷ جلد، تهران، ۱۳۲۴-۱۲۹۶ش / ۱۸۷۷-۱۹۰۶م.

15. Arfa, J. *Under five shahs*, London, 1964.

16. Bassett, J. *Persia the Land of Imams*, London, 1887.

17. Della Valle Pietro, *Extract of the Travels of Della Valle*, in J. Pinkerton, ed; *A General*

Collection Voyages and Travels IX, London, 1811.

18. Floor. W. *A Fiscal History of Iran in the Safavid and Qajar Periods*, NewYork, 1999.

19. Hotz. A. *Reis van de gezant der O. I. Compagnie Joan Cunaeus naar Perzie in 1651-1652*, Amesterdam, 1998.

20. Kaempfer. E. *Amoeniattes exoticse*, tr. Hinzas. W. *Am Hofe des Persischen Grosskonigs 1684-1685*, Leipzig, 1948.

21. Lacoïn de Vilmorin. A. *De Pars a Bombay*, Paris, 1895.

22. Lockhart. L. *Nadir shah: A Critical study Based Mainly upon Contemporary Sources*, London, 1938.

23. Olearius Adam, *Vermehrte neue Beschreibung der moscowittis chen unde persischen Reyse*, ed. D. Lohmeier, shleswing, 1656, repr. Tubingen, 1911.

24. Perry. J. *Karimkhan Zand*, chicago and London, 1979.

25. Richard Kaphael du Mans. F. *missionnaire en Persean Xville*, s., 2 vols. Paris, 1995.

26. Sanson. M. *The Present state of Persia*, London 1695.

27. Sheil Lady, *Glimpses of life and maners in Persia*, London, 1856; Yepr, NewYork, 1973.

28. Tavernier. J. B. *Voyages en Perse*, pd. P.Pia, Paris, 1930.

29. United States Army, *Area Hand book for Iran*, Washington, 1963.

30. United States Government, *Area Hand book for Iran*, Washington, 1971.

31. Valentyn. F. ouden Nieuw Oost-Indien V. Dordrecht, 1726, *YearBook Iran 1989-90*, Wisbeck,U.K.



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی